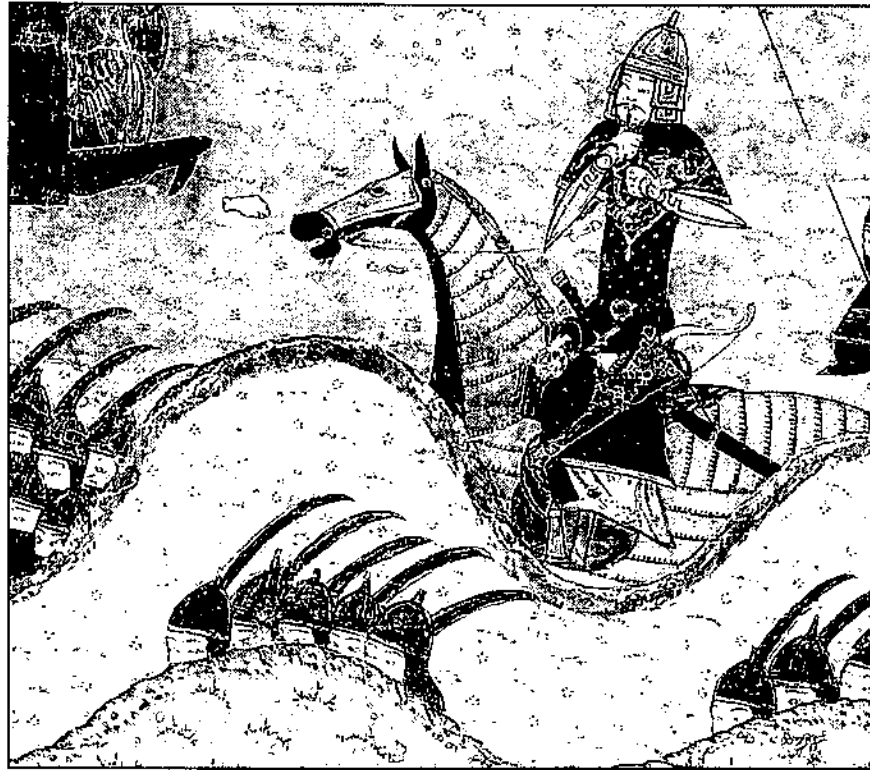


## فرهنگ و تمدن تیموریان



ادوار و اعصار تاریخ ایران هر یک ویژگی‌ها و دلایل خاص اهمیت خویش را دارند. آنچنانکه هیچیک را نمی‌توان از نظر دور داشت و بخصوص در عرصه تحقیق نسبت بدان کوتاهی کرد. اما تحولات روزگاری که ما در آن به سر می‌بریم و رویکردهایی که در زمینه فرهنگ ظهور و بروز می‌یابند و اساساً ضرورت‌هایی که در قلمرو پژوهشهای تاریخی چهره می‌نمایند، برای مدتی - کوتاه یا بلند - موضوع‌ها یا ادوار و اعصاری از تاریخ پرفراز و نشیب این مرز و بوم و گستره فرهنگ و ادبیات آن را مدنظر قرار می‌دهد و توجهی بیشتر را به خود معطوف می‌سازد. از جمله در سال‌های اخیر تاریخ عصر تیموریان توجه صاحب‌نظران و محققان را به این دوره از تاریخ ایران برانگیخته و برپایی سمینارهایی را نیز به دنبال آورده است. لذا این شماره از کتاب ماه تاریخ و جغرافیا به عصر تیموریان اختصاص داده شده است و امید است بتوانیم در شماره‌های آینده، برای دیگر ادوار تاریخ ایران نیز ویژه‌نامه‌هایی داشته باشیم.

در روزهای ۲۸ و ۲۹ شهریور ماه سال ۱۳۷۵ نشست با عنوان «کنگره بین‌المللی مطالعات ایرانی، ویژه ادب و هنر در دوره تیموری» با همت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد. در این کنگره تعدادی از اساتید و محققان ایرانی، هندی، ازبکستانی، تاجیکستانی و ترکمنستانی، همچنین دیپلماتهایی از

کشورهای ازبکستان، هند، گرجستان و ایران حضور داشتند. این کنگره اولین نمونه از نوع خود در سال‌های پس از انقلاب بود و هر چند کاستی‌هایی داشت، اما در مجموع تلاش دست‌اندرکاران و مسئولان برگزاری آن قابل تقدیر و توجه است. سخنرانی‌ها نیز اغلب دارای محتوای علمی‌شایان توجهی بود منتهی بایستی توجه داشت برپایی این کنگره و کنگره سامانیان که در شهریور ماه ۱۳۷۸ در مشهد برگزار شد و نیز کنگره احتمالی صفویان یا هر کنگره مشابه دیگری برای ما نکات قابل توجه بسیار دارد.

کنگره تاریخ و تمدن تیموریان هم نوعی انفعال و هم به نحوی فقدان یک استراتژی در امر پرداختن به تاریخ از جانب ما را نشان می‌دهد اگر از کنگره‌های متعددی که در خارج ایران درباره مسائل کلی و جزئی تاریخ ایران به وسیله مجامع خاورشناسی و ایران‌شناسی و نیز موسسات تحقیقاتی و دانشگاه‌های خارجی برگزار می‌شود یا طرح‌هایی که نهادهای بین‌المللی مانند یونسکو در مورد تاریخ بشر و تاریخ آسیای میانه برپا می‌دارند فعلاً صرف‌نظر کنیم و صرفاً اقدامات داخلی را مدنظر قرار دهیم کارنامه‌ای پربار را پیش روی خود نخواهیم داشت.

قبل از هر چیز لازم است توجه داشت که در این عرصه حضور دانشگاه‌ها که می‌توانند نقش اصلی را در هدایت علمی جامعه داشته باشند، بسنده نبوده است

و - هر چند با کمبودها و کاستی‌هایی - وزارت فرهنگ و ارشاد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه و دفتر فرهنگ و ارتباطات اسلامی که ماهیتاً نهادهایی سیاسی و فرهنگی یا مذهبی هستند فعال‌تر بوده‌اند. حال آنکه ما دارای سرمایه‌های مادی، معنوی و انسانی بسیار ارزشمندی در این زمینه‌ها هستیم.

نکته حائز اهمیت دیگر توجه به رویکرد جمهوری‌های آسیای میانه به چنین سوابق تاریخی و فرهنگی است. به عنوان مثال بحث درباره تیموریان در سال‌های اخیر از آن رو مورد توجه قرار گرفت که ازبکستان پس از کسب استقلال اهمیتی خاص بدان نشان داد. سایر جمهوری‌های آسیای میانه، همچون ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان نیز به محض کسب استقلال، در همان اوایل تجدید حیات فرهنگی و سیاسی خویش بدین ضرورت وقوف یافتند که نیل به هویتی فرهنگی و تاریخی در فرایند استقلال برایشان اهمیتی اساسی دارد. لذا تلاش‌هایی پی‌گیر و فشرده که از شتابزدگی نیز بدور نبود، در رجوع به گذشته تاریخی و فرهنگی آسیای میانه و گزینش عصری یا فرهنگی یا شخصی به عنوان شاخصه و شاكلة اصلی هویت ملی صورت گرفت.

قزاق‌ها بر شخصیتی حماسی به نام مانای تاکید کردند، ترکمن‌ها بر مکتومقنی، شاعر پراوازه و نیز جدال‌های سهمگین ترکمن‌ها با سربازان تزاری در

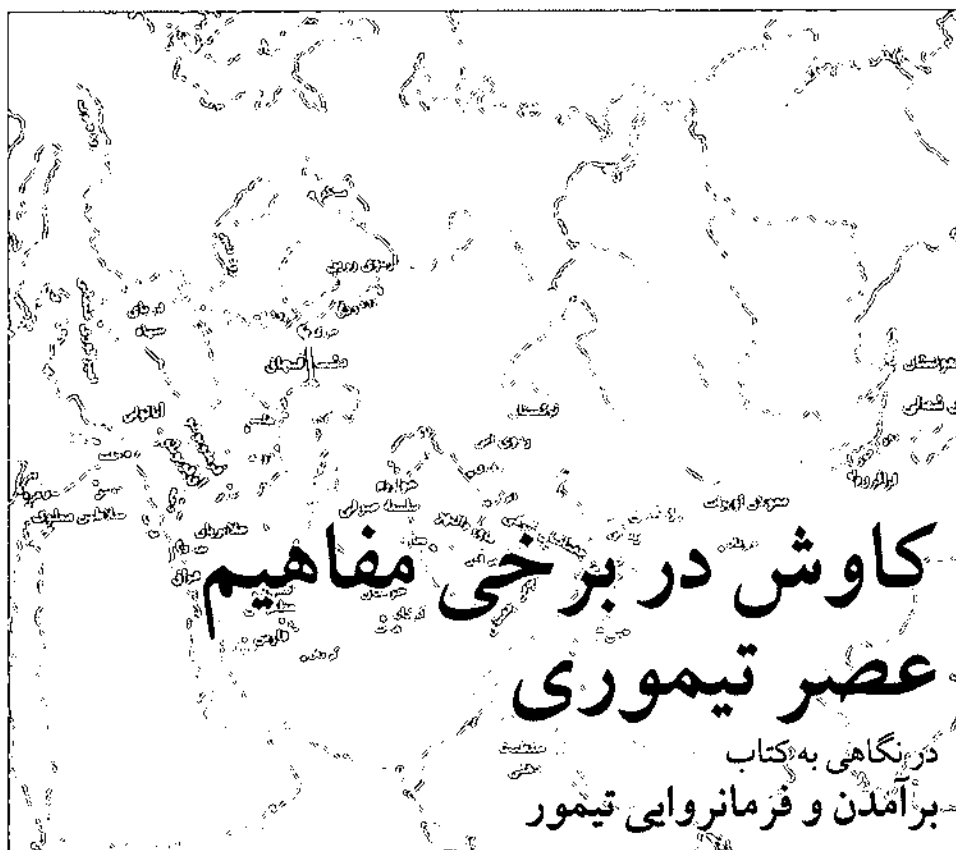
نیمه دوم قرن نوزدهم عطف توجه نمودند، تاجیک‌ها بر عصر سامانیان و زودکی شاعر متکی شدند و از یک‌ها بر عصر تیموریان، شخص تیمور و بزرگانی چون امیر علیشیر نوایی، الغ بیک توجه خاص نشان دادند. در این راستا برپایی کنگره تیموریان در مشهد مورد توجه محققان ایرانی قرار گرفت منتهی بیشتر با تکیه بر عصر جانشینان تیمور و تمدن و فرهنگ دوره تیموری. با این حال نمی‌توان با توجه به سهم و نقش ایرانیان در تمدن عصر تیموری و تاریخنگاری تیموریان که بیشتر فارسی است به این مقدار بسنده کرد. همانطور که گذشت، ما هنوز به یک استراتژی مبتنی بر تصمیم و تحقیق در این باره نرسیده‌ایم. و لازم است درباره همه پدیده‌های تاریخ ایران و تمدن اسلامی و حتی تاریخ جهانی با وسعت نظر و روشی علمی بیاندیشیم و از قبل تمهیدات لازم را صورت داده باشیم. چنین امری نه تنها برای نظام آموزشی رسمی تاریخ یعنی از آموزش و پرورش تا دانشگاه لازم است. بلکه برای برنامه‌های رسانه‌ای، نظیر رادیو، تلویزیون و مطبوعات هم لازم به نظر می‌آید. این سخن بدان معنی نیست که ما ملزم هستیم سیاستی رسمی و دولتی به مثابه دیدگاهی نوین برای تاریخ داشته باشیم، بلکه داشتن نظریه‌ای کارشناسانه و عالمانه خود راهگشا و راهنما در همه عرصه‌ها، حتی سیاست، فرهنگ و روابط بین‌الملل خواهد بود. چنانکه اگر در ورود به اینگونه مسائل از زاویه‌ای علمی، تحقیقی، عالمانه و کارشناسانه نگریسته شود بدون شک با اعتماد و اطمینان بهتر و بیشتر و به کارگیری هر چه صحیح‌تر امکانات جلو خواهیم رفت.

باید توجه داشت مسائل تاریخی هر چند مربوط به گذشته و زمان‌های مرده محسوب می‌شوند اما طرز تلقی مردم هر عصر، در زندگی یا مرگ مجدد پدیده‌های تاریخی مؤثر واقع خواهد شد.

هر مبحث تاریخی به همان اندازه که ممکن است مرده و فراموش شده تلقی گردد، ممکن است مؤثر و موجود پنداشته شود. از این رهگذر، میراث تاریخی اعم از مادی و معنوی در شکل‌گیری هویت ملی، عزت و استقلال ملی، آرمان‌های تاریخی، تحقیقات علمی و فرهنگی، مسائل مردم‌شناسی و قوم‌شناسی و موارد متعدد دیگری تاثیر قاطع و قطعی دارد.

برای رسیدن به نتیجه‌ای در این زمینه لازم است به تاریخ از منظری عقلی و انتقادی نگریست و معیارهای خردگرایانه را ملاک مطالعه و تحقیق و قضاوت در تاریخ ساخت.

در چنین حالتی بهتر می‌توان به شناخت دقیق و درست گذشته دست یافت و از آن بهره‌های لازم فکری، اخلاقی، ملی و بین‌المللی را برد. خوشبختانه ما ایرانیان همانگونه که دارای تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب و مشحون از وقایع گوناگون و بی‌شمار هستیم، میراثی گسترده و عمیق از تاریخنگاری نیز داریم که می‌توانیم با بهره‌گیری از آن، از قبل و بدون انفعال نسبت به ارزیابی تاریخ خویش اقدام نماییم.



■ برآمدن و فرمانروایی تیمور

■ تالیف: بتاتریس فوربزمنز

■ ترجمه: منصور صفت گل

■ ناشر: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷

● هاشم صدق‌آمیز

عضو هیئت علمی گروه تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

بتاتریس فوربزمنز برای روشن نمودن چگونگی برآمدن و فرمانروایی تیمور دو مسئله بنیادی را مورد توجه قرار داد. نخستین مسئله «پیوند میان نهادها و پویایی‌های سیاسی ناشی از آنان»<sup>۱</sup> و دومین مسئله «رابطه میان شیوه‌های سیاسی و سلطه بود»<sup>۲</sup>. از آنجا که طرح موضوعات کتاب بیشتر حول محور مسئله دوم می‌گردد اجازه دهید ببینیم بتاتریسمنز این مسئله را چگونه دیده است. او در بخش نتیجه‌گیری کتاب می‌نویسد: «دومین مسئله رابطه میان شیوه‌های سیاسی و سلطه بود. جوامع قبیله‌ای اغلب در سطح بالایی سیاسی شده هستند و شیوه‌های اقدام سیاسی تهدیدی آشکار برای اقتدار شخصی به شمار می‌روند. بخش عمده این کتاب پژوهش در این باره بود که تیمور فعالیت‌های سیاسی را چگونه سرکوب کرد و این امر برای جامعه‌ای که او بر آن فرمان می‌راند چه مفهومی داشت»<sup>۳</sup>. از دیدگاه منز ریشه‌ای‌ترین برخوردها میان تیمور برای به دست آوردن «اقتدار شخصی» در برابر شیوه‌های اقدام سیاسی «نظام قبیله‌ای» بوجود آمد. منز بر این باور است که «شیوه‌های سیاسی که مقام تیمور را تهدید می‌کردند، شیوه‌های سیاسی قبیله‌ای ائوس جغتای بودند»<sup>۴</sup>.

او پیشاپیش با پذیرفتن وجود قبیله در ائوس جغتای خواست قبیله را در برابر خواست فرد قرار داده است. اما گمان می‌کنم برای اعلان جنگ میان شیوه‌های سیاسی

